

برخورد

جدال بی‌مناسبت

مسعود رفیعی طالقانی

اگر ۱۶ اسفند ۸۸ عباس سلیمی‌نمین رئیس دفتر مطالعات تدوین تاریخ ایران در مناظره تلویزیونی، صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران را با ادبیاتی خاص به باد انتقاد گرفت که با دانش ناکافی به تیره و تلهیبر رضاخان و دولت انگلیس پرداخته و بدون سند و مدرک حرف می‌زند و تاریخ را جعل می‌کند حالا بعد از گذشت قریب هشت ماه، حمید روحانی رئیس بنیاد تاریخ‌پژوهی ایران هم یاد آن مناظره را زنده کرده و زیباکلام را به باد انتقادهای تندی گرفته است که نسبت چندانی با نقد آکادمیک ندارد. از همه جالب‌تر زمان انتشار این نقد بی‌پرواست که هشت ماه از اظهارات سوزه نقد یعنی زیباکلام فاصله دارد.

صادق زیباکلام در مناظره تلویزیونی یکشنبه ۱۶ اسفند سال گذشته که با موضوع ملی شدن صنعت نفت برگزار شد در سخنانی که از دید حرفیان مناظره‌اش غیرمتعارف می‌آمد به دفاع از عملکرد رضاخان پهلوی در سال‌های حد فاصل کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹) و تاجگذاری (۱۳۰۴) پرداخت و رفتار رضاخان در این دوران را در جهت توسعه کشور توصیف کرد: «رضاخان در فاصله سال‌های ۱۲۹۹تا ۱۳۰۴ اقدامات بسیار مثبتی در ایجاد یکپارچگی ایران کرد. بعد از مشروطه، قدرت مرکزی سراسر کشور از بین رفت و در بلوچستان، خراسان، گیلان، کردستان، خوزستان و… یاقیان مختلفی سر بر آوردند و این رضاخان بود که با سرکوب آنها قدرت مرکزی را به کشور بازگرداند. در دوران دولت رضاخان، صنعت ایران با رشد بسیاری مواجه شد و صنایع راه‌آهن، نساجی و… از موفقیت‌های آن دوره است.» زیباکلام با مردود دانستن سندهایی که رضاخان را دست‌نشانده انگلیس معرفی می‌کند همچنین گفته بود: «اگر او انگلیسی بود، چرا دولت انگلستان او را برکنار کرد؟» همان شب عباس سلیمی‌نمین به زیباکلام حمله کرد اما انتقادات وی در شب مناظره از زیباکلام طبیعی به نظر می‌آمد زیرا طبیعت مناظره این است که تباش داغ و داغ‌تر نشود. اما حالا همت از آن شب گذشته که حمید روحانی رئیس بنیاد تاریخ‌پژوهی ایران در مقاله‌ای مفصل که در آخرین شماره مجله ۱۵خرداد منتشر شده، به نقد مطالب بیان‌شده از سوی «صادق زیباکلام» درباره رضاخان و تاریخ معاصر ایران پرداخته است.

او در مقاله خود نوشته است: «ما از دانش‌آموختگان مدارس انگلیس که آسمان مهندسی شیمی! پزشکی، راه و ساختمان و سایر رشته‌های فنی و مهندسی و پزشکی را به رسمان دین، سیاست و تاریخ به خوبی پیوند می‌زنند و از این پیوند، معجزه‌هایی شبیه حسین حاج‌فرج‌دباغ (سروش)، صادق زیباکلام، مهرداد بروجردی، محمدعلی همایون کاتوزیان، احمد اشرف، پرواند آبراهامیان، ابراهیم یزدی، ماشاءالله آجودانی و… در تاریخ‌نگاری ایران معاصر تولید می‌کنند، انتظاری بیش از این نداریم.»

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحمید روحانی در بخش‌هایی از مقاله خود نوشته : «این فرد یا درک درستی از تاریخ ایران ندارد و ناگاهانه و از روی چهل، پافته‌ها و پندارهای خود را به نام تاریخ القا می‌کند یا ماموریت دارد مانند اکثر غرب‌گرایان و روشنفکر نمایان تاریخ معاصر، از هر حکومتی که به نوعی رشته در استعمار بیگانگان دارد، دفاع کند. ما می‌دانیم اصولاً آنهایی که در انگلیس مشغول به تحصیل در رشته‌های علوم انسانی به ویژه تاریخ معاصر ایران می‌شوند از تاریخ معاصر چه دیدگاهی به آنها القا می‌کنند و اینها پس از بازگشت به کشور خود باید بیشتر چه‌اندیشه‌هایی در کشور باشند.» روحانی در ادامه به نکته عجیبی اشاره کرد و آن اینکه، تاریخ آشنایی‌اش با نام صادق زیباکلام را در شب همان مناظره عنوان کرده است: «نخستین‌باری که نگارنده نام او (زیباکلام) را شنید در یک برنامه زنده رادیویی بود که برای بررسی احیای رژیم کابیتولاسیون به دست محمدرضا پهلوی از نگارنده دعوت به عمل آمده بود و او نیز تلفتی در این برنامه شرکت داشت. او در این گفت‌وگوی تلفنی ملت ایران را در احیای رژیم کابیتولاسیون مقصر دانست زیرا به نظر وی نمایندگان مردم در مجلس رایحه کابیتولاسیون رای مثبت دادند و آن را به تصویب رساندند. برای نگارنده شگفتناز بود که این آقا چگونه مهره‌های خودفروخته‌تاری را که از روی مجمه‌شهبیان ۱۵ خرداد ۴۲ گذشتند و به پارلمان راه یافتند «حامیان‌دگان ملت» می‌داند. تحصیلات وی نشان می‌دهد که نه از جنبه توریک و نه از جنبه تجربی درک درستی از تاریخ ندارد. تا دوره فوق‌لیسانس تحصیل کرده رشته مهندسی شیمی است و شناختی از حوزه علوم انسانی که تاریخ بخشی از آن است، ندارد. دوره دکتری خود را هم به ادعای خودش در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه ملیطشاسی برادفورد انگلیس، ظاهراً با پایان‌نامه ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران گرفته است. چه درنکات و حائوسات است که برخی از عناصر در نظام جمهوری اسلامی از دشمنان ملت، از قاتلان بی‌رحم بزرگان کشور، از جنایتکارانی که دست‌شان تا مرقی به خون عزیزان ایران در مسجد گوهرشاد و در جای‌جای کشور آغشته است واژ وطن‌فروشی که خاتنه‌تیران قرادادهای استعماری مثل قراردادهای رویتز را بر ملت ایران تحمیل کردند به نام اصلاح‌طلب و… دفاع می‌کنند. »

حمید روحانی سپس حمله تعامیر به زیباکلام را با بررسی نسبت این استاد دانشگاه و علی‌اکبر هاشمی‌فسنجانی دنبال کرده است و نوشته، شیوه و شگرد آقای صادق زیباکلام برای ارتباط با آقای هاشمی و نزدیک شدن به او در خور توجه است. روحانی همچنین زیباکلام را به دامن زدن به آنچه او برخی توطئه‌ها و توطیه‌ها خوانده متهم کرده است. اکنون با بررسی مقاله به شدت انتقادی و غیرآکادمیک حمید روحانی در مواجهه با اینکه زیباکلام چند پرسش به ذهن می‌رسد، نخست اینجا چرا پس از گذشت هشت ماه از برگزاری مناظره تلویزیونی و ایراد آن سخنان از سوی صادق زیباکلام تازه رئیس بنیاد تاریخ‌پژوهی ایران به این فکر افتاده است که باید زیباکلام را به باد انتقاد بگیرد و به وی نسبت‌هایی اینچنینی بدهد؟

و دیگر، در حالی که بسیاری از چهره‌های موثر و صاحب‌نام در حوزه‌های آکادمیک کشور فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های انگلستان هستند چرا آقای روحانی به جای نقد و توجیه و بر اساس مستندات و استدلال‌های تاریخی صرفاً تحویل در انگلستان را دستمایه نقد زیباکلام قرار داده و با توصیفاتی که در برخی رسانه‌ها – برای آنچه افراد معلوم‌الحال خوانده می‌شوند– به کار می‌رود، شخصیت آکادمیک فرد

مورد نقد خود را مورد حمله قرار داده است؟

ایا نقد آکادمیک را می‌توان با صورت‌بندی‌های سیاسی سامان داد و مطرح ساخت؟

سنت دور کیمی در دانشگاه تهران

عماد افروغ

جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران با سنت دور کیمی شکل گرفته و تقویت شده است. هنوز هم تأثیرات امیل دور کیم بر جامعه‌شناسی کشور انکارناپذیر است. هرچند امروزه ممکن است وی جای خود را به سایر نظم‌گرایان داده باشد و جامعه‌شناسان ساختی – کار کردی دیگری جایگزین او شده باشند اما این موضوع از اهمیت و جایگاه دور کیم در ایران نمی‌کاهد.

امیل دور کیم یکی از چهره‌های کلاسیک و اثرگذار در جامعه‌شناسی در کنار جامعه‌شناسان بزرگ دیگری چون کارل مارکس، ماکس وبر و زیمل و ابن‌خلدون است. اینها چهره‌های کلیدی جامعه‌شناسی‌اند اما اختلاف آرای زیادی نیز در بین آنها مشهود است. در این بین دور کیم معرف یک تفکر نظم‌گرا و کل‌گرایانه در جامعه‌شناسی است. معمولاً وقتی می‌خواهند به لحاظ روش‌شناسی از یک تفکر کل‌گرا مثالی بزنند دور کیم را نمونه می‌آورند و در مقابل او، ماکس وبر را به عنوان شاخص یک رویکرد فردگرا می‌شناسند. از سوی دیگر دور کیم معرف یک رویکرد نظم‌گراست و مارکس سنتیزگرایی در نظر‌تاری غلبه دارد. غالباً سنت د فرانسوی جامعه‌شناسی گرایش قابل توجهی به امیل دور کیم دارد. او اوج تفکر پوزیتیویستی، کمیت‌گرا و نظم‌گرایانه‌ای است که پیش از او در اروپا توسط کسانی چون سن سیمون و آگوست کنت شروع می‌شود. دور کیم متفکری است که با مفهوم همبستگی گره خورده و مهم‌ترین متغیر دلخواه او همین مفهوم همبستگی اجتماعی است.

معتمد در میان آرای دور کیم مفهوم انومی یا نابسامانی قابل تامل است. بر اساس این ایده، وقتی نظم اجتماعی سنتی از بین می‌رود تا زمانی که نظم جدیدی جایگزین نشود جامعه با پدیده‌ای به نام انومی مواجه خواهد شد. شاید بشود از مفهوم انومی دور کیم برای تحلیل بسیاری از وقایع و حوادث کشور بهره گرفت. اگر قرار باشد در نگاه به مسائل خودمان نیم‌نگاهی به نظرات دور کیم داشته باشیم شاید بشود تا حدودی از مفهوم انومی دور کیم استفاده کرد. ما با دست خودمان نظم سنتی و اجتماعی جاقفاده را خواسته یا ناخواسته به هم می‌زنیم اما نظم هنجاری جدیدی هم جایگزین نمی‌کنیم. به این ترتیب کشور دچار انومی می‌شود. وقتی انومی کشور را فراگرفت خودش ایستن تحولات غیرقابل پیش‌بینی است.

البته دور کیم در مباحث مختلفی قلم زده است؛ در مبحث تقسیم کار اجتماعی، خودکشی و روش‌شناسی پوزیتیویستی که از این زاویه با نقدهای بسیاری روبه‌رو شده است. نقدهایی که ناظر به نگاه بیش از حد نظم‌گرایانه وی و بی‌توجهی‌اش به تغییرات اجتماعی است. همچنین دیگر نقدها به روش‌شناسی او و تسری پوزیتیویست در نظرات وی در مطالعه پدیده‌های اجتماعی است. او معتقد است تفاوت بین موضوعات طبیعی و اجتماعی از جنس نوعیت و کیفیت نیست بلکه از جنس کمیت و پیچیدگی است، بنابراین ما می‌توانیم با پدیده‌های اجتماعی هم به مثابه یک شیء، نگاه کنیم. این نظر با نقدهای بسیاری از سوی هرمنوتیک‌ها و رئالیست‌های انتقادی روبه‌رو شده است. با این حال تا مدت‌ها شاهد این بودم که در دانشگاه‌های ایران و به ویژه دانشگاه‌های مستقر در تهران گرایش عجیبی به نظم‌گرایی و جامعه‌شناسانی چون دور کیم و پارسونز وجود دارد. جالب اینجاست که خیلی از کسانی که تا حدودی در اقتصاد گرایش چوچ داشتند علاقه شدیدی نیز به این دو داشتند. چطور می‌شود کسی گرایش چپ داشته باشد اما دور کیمی یا پارسونزی باشد؟ این مسأله از عجایب کشورمان بود که در دهه ۷۰ شاهدش بودم. معمولاً نام دور کیم یا محافظه‌کاری پیوند خورده است. نمی‌شود یک نفر برچسب چپ داشته باشد اما گرایش به دور کیم داشته باشد. چه آنکه وی میانه خوبی با تغییرات اجتماعی ندارد و تغییرات را به مثابه یک پاتولوژی نگریسته و بیشتر دلمغولی ثبات و نظم اجتماعی را دارد. هر چند این امر از ارزش دور کیم در ایران کم نمی‌کند اما ما باید با ذهن انتقادی ای و با برخورد کنیم، نقاط قوت و ضعف‌شان را از یکدیگر تفکیک کنیم و دستب به انتخاب بزنیم. پایه و مبانی انتخاب نیز باید به گونه‌ای باشد که قابل دفاع باشد.

اما در این زمینه که تفکرات و آرای وی توانسته از مرزهای دانشگاهی ایران فراتر رود، نمی‌شود به طور مشخص و قاطعانه نظر داد که در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های ما تفکرات دور کیم نمود داشته است یا نه. اما برخی محافل غیردانشگاهی را سراغ داشتیم که به گونه‌ای تفکر سیستمی را در یک مقطعی می‌پروراندند که شباهت زیادی به تفکر

تازه‌های دکه

خصوصی‌سازی در ایران را دست‌کم می‌توان به سه دوره تقسیم کرد، دوره اول بر آن دورانی ناظر است که با پایان جنگ آغاز شد و طی آن هاشمی‌فسنجانی که هدفی جز بازسازی اقتصادی نداشت آماده بود به هر قیمتی از بار مالی دولت بکاهد تا بتواند پروژه‌های عمرانی را هر چه سریع‌تر وارداندا کند. دوره دوم را می‌توان دوره بازنگری انتقادی به خصوصی‌سازی دوره اول نامید؛ دورانی که در آن اصلاح‌طلبان نگران از بی‌انگامی خصوصی‌سازی دوران هاشمی و تبعات اجتماعی آن نه فقط به این نتیجه رسیدند که باید با درایت بیشتری به چوب حراج زدن به اموال عمومی بجهتیند بلکه باید برای گسترش بخش خصوصی جایگزینی مناسب بیابند.

دوره سوم را به لطف مقالات متعددی که در مطبوعات در امر خصوصی‌سازی نوشته شده و همچنین اعتراضات مجلسیان و دست‌اندرکاران بورس بهتر از سایر دوره‌ها می‌شناسیم.

جالب توجه اینکه در هر سه این دوره‌ها متخصصان امر و نهادهای دانشگاهی و غیردانشگاهی به وفور هم در مورد نتایج خصوصی‌سازی در ایران نوشته‌اند و هم تلاش چشمگیر و قابل احترامی انجام دادند تا تجارب خصوصی‌سازی در سایر کشورها را با نگاهی بی‌طرف نقد و ارزیابی کنند.

با این همه به نظر می‌رسد در ارزیابی و بازگویی تجربه تقریباً ۱۵ساله خصوصی‌سازی در ایران هنوز ما در آغاز راه قرار داریم. به همین جهت است که شماره ویژه گفتگو در

اندیشه

نود و سومین سال در گذشت امیل دور کیم جامعه‌شناس فرانسوی

شهناز مسمی‌پرست

موسس رشته جامعه‌شناسی

شهناز مسمی‌پرست



جامعه‌شناسی آکادمیک چهره‌ای اصلی‌تر از دور کیم نمی‌شناسد. هر چند آگوست کنت را پدر جامعه‌شناسی می‌نامیم ولی دور کیم بود که با تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیرش و با وجود مخالفت‌هایی که همیشه در واکنش به جاقفادن در چیز نوی صورت می‌گیرد باعث شد ما بتوانیم هنگام انتخاب رشته در دانشگاه جامعه‌شناسی را هم مدنظر داشته باشیم. در باره شَأن و مقام دور کیم همین بس که می‌بینیم هر سال چندین کتاب و ده‌ها مقاله آکادمیک درباره او در جهان منتشر می‌شود. چرخش فرهنگی در دوران ما باعث توجه مجدد به آثار دور کیم شده است، هر دانشگاه جامعه‌شناسی با اولین درسی که در جامعه‌شناسی برمی‌دارد با دور کیم آشنا می‌شود. ولی اگر به کتاب‌های قدیمی‌تر درباره دور کیم و عناوین مقالات و کتاب‌هایی که امروزه درباره او چاپ می‌شود دقت کنیم، درمی‌یابیم دور کیمی که شناخته‌ایم فاصله زیادی با دور کیمی دارد که امروزه می‌توانیم بشناسیم. اصولاً همیشه شکافی میان متفکر و آنچه به آن شناخته می‌شود وجود دارد. در مورد دور کیم این شکاف بسیار عمیق بوده است، و علت اصلی آن واسطه‌ها و مفسرانی بودند که آثار او را سوگیرانه بسط داده و مورد استفاده قرار دادند. (Jones, 2001)

براساس بسیاری از روایت‌های تاریخ جامعه‌شناسی مکان و زمان تولد جامعه‌شناسی فرانسه قرن نوزدهم است. به گفته لوی استراوس جامعه‌شناسی مدرن به منظور بازسازی جامعه فرانسوی که در حال گذر از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و جنگ با پرورس (۱۸۷۱-۱۸۷۰) و شکست فرانسه متولد شد. تصور این بود که فرانسه با مدرنیزه شدن بر اساس علم و اصول جمهوری سکولار می‌تواند برای رقابت با آلمان تجهیز شود. دور کیم که در اکل نرمال سوویرپور درس خوانده بود و با تحقیق تجربی نظاممند و روش تطبیقی و فلسفه علم آشنا بود توسط مدیر آموزش عالی فرانسه به آلمان فرستاده شد و ماموریت یافت از علوم اجتماعی آلمان گزارشی تهیه کند و توصیه‌هایی ارائه دهد که بتوان از آنها در اصلاح و گسترش آموزش و پرورش فرانسه استفاده کرد. دور کیم نشریاتی را در خود می‌گشاید و دیگران را برای چالش به درون آن فرامی‌خواند. سال ۱۸۹۸ به نام سالنامه جامعه‌شناسی تاسیس کرد که علاوه بر آنکه خود در آن بسیار می‌نوشت و نقد می‌کرد از نویسندگان

سال پنجم ■ شماره ۱۱۱۴

اخبار اندیشه

رونمایی پایان‌نامه‌های علوم عقلی حوزویان
نخستین گزارش پایان‌نامه‌های حوزوی بعد از انقلاب که در زمینه علوم عقلی نوشته شد، با حضور حجج اسلام غلامرضا فیاضی، حسن معلمی، علی مصباح و عبدالرسول عبودیت ۳۰ آبان تهران در کتابخانه ملی برگزار خواهد شد.

مجمع عالی حکمت اسلامی و ۱۰ مرکز فرهنگی

که با مجمع همکاری می‌کنند، تولیدات آموزشی و پژوهشی، رسانه‌ای خود را در نمایشگاه آثار جهانی فلسفه که ۳۰ آبان تا ۳ آذر در کتابخانه ملی برگزار می‌شود، ارائه خواهند کرد.

موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، دایره‌المعارف علوم عقلی، مرکز آموزشی فلسفه اسلامی، موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع)، دانشگاه مفید، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه از جمله مراکز تحقیقاتی فلسفه اسلامی است که پس از انقلاب اسلامی در قم شروع به فعالیت کرده‌اند.

تغییر کتاب انقلاب
معاون پژوهشی دانشگاه معارف قم اعلام کرد: متن کتاب درسی انقلاب اسلامی در مقطع کارشناسی دانشگاه‌ها تغییر کرد و کتاب انقلاب اسلامی نوشته محمدرحیم عوژی و محمدجواد هراتی جایگزین کتاب قبلی شده است. شش متن درسی نیز به کتاب درسی معارف دانشگاه اضافه خواهد شد.

نخستین همایش «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی»
نخستین همایش «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی» از سوی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی اسلامی (آی‌سسکو) و با همکاری وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران (PE) به منظور بررسی و بحث درباره تدوین اصول و سیاست‌های تعلیم و تربیت در جهان اسلام، اول و دوم دی در تهران برگزار می‌شود.

نشست «پدیدآورندگان بی‌روان ادیان توحیدی»
نشست «هم‌اندیشی پدیدآورندگان آثار مکتوب از پیروان ادیان توحیدی» هم‌زمان با عید قربان (۱۲۶بان) با حضور نویسندگان ادیان مختلف برگزار می‌شود. نویسندگان اقلیت‌های مذهبی آشوری، کلیمی، مسیحی و زرتشتی در این نشست حضور خواهند داشت.

رده‌ای بر پوچ‌گرایی کامو
مجله نگاه نو در بیستمین سال انتشارش به بهانه پنجاهمین سالگرد آلبر کامو به تصحیح برداشت تاریخی ما ایرانیان از این نویسنده پرداخته است. البر کامو در سال‌های جنگ سرد از سوی روشنفکران دلباخته به نظام توتالیتر شوروی به عنوان قهرمان پوچی معرفی شد.



مجله نگاه نو در بیستمین سال انتشارش به بهانه پنجاهمین سالگرد آلبر کامو به تصحیح برداشت تاریخی ما ایرانیان از این نویسنده پرداخته است. البر کامو در سال‌های جنگ سرد از سوی روشنفکران دلباخته به نظام توتالیتر شوروی به عنوان قهرمان پوچی معرفی شد. ۵۰ سال پیش از بی‌اعتبار شدن نظام شوروی انتقادهایی جدی به آنها مطرح کرد و به روشنی نوشت آنها به نام رستگاری در فردایی موعود امروز مردم را تباه می‌سازند. علی میرزایی با چنین پیش‌فرض‌هایی به گردآوری این شماره از نگاه همت گمارده است.

در این شماره می‌توانید مطالبی از فرج‌الله صبا (که ۵۲ سال پیش خطابه آلبر کامو در مراسم دریافت جایزه نوبل را در ماهنامه اطلاعات منتشر کرد) و همچنین ترجمه مقالاتی از کامو به قلم فولادوند (نان و آزادی)، خشیایار دیپچی (پوچی و خودکشی)، علی میرزایی (خون آزادی و شب حقیقت)، رضا رضایی (هنرمند و زمانه‌اش) و… بخوانید.

نوشته‌ای از ژان پل سارتر، که از جمله منتقدان سرسخت کامو به شمار می‌رفت با ترجمه دکتر ابوالحسن نجفی و یادداشتی از سیمون دیوپار که او هم به نوعی منتقد سرسخت کامو بود، و نوشته‌هایی از آلن یر گری-به (با ترجمه مهستی بحرینی) و مطلبی از لیسلا لیتکلن با ترجمه ناهید فروغان هم در این شماره آمده است.

بخش انتهایی این ویژه‌نامه به کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی کامو در ایران اختصاص دارد که هاشم بناپور آن را تهیه و تنظیم کرده است تا تصویری از مقالات و نوشته‌ها و کتاب‌های کامو در ضمیر خواننده ایرانی نقش بندد.

بیش از ۴۰ عکس مختلف از کامو در این شماره کار شده است و علاوه بر آن تصویر عمده کتاب‌هایش به زبان فارسی و انگلیسی هم آمده است.

این شماره نشریه در ۱۱۶ صفحه با قیمت ۳۵۰۰ تومان به بازار کتاب و نشر و روزنامه‌نگاری عرضه شده است.